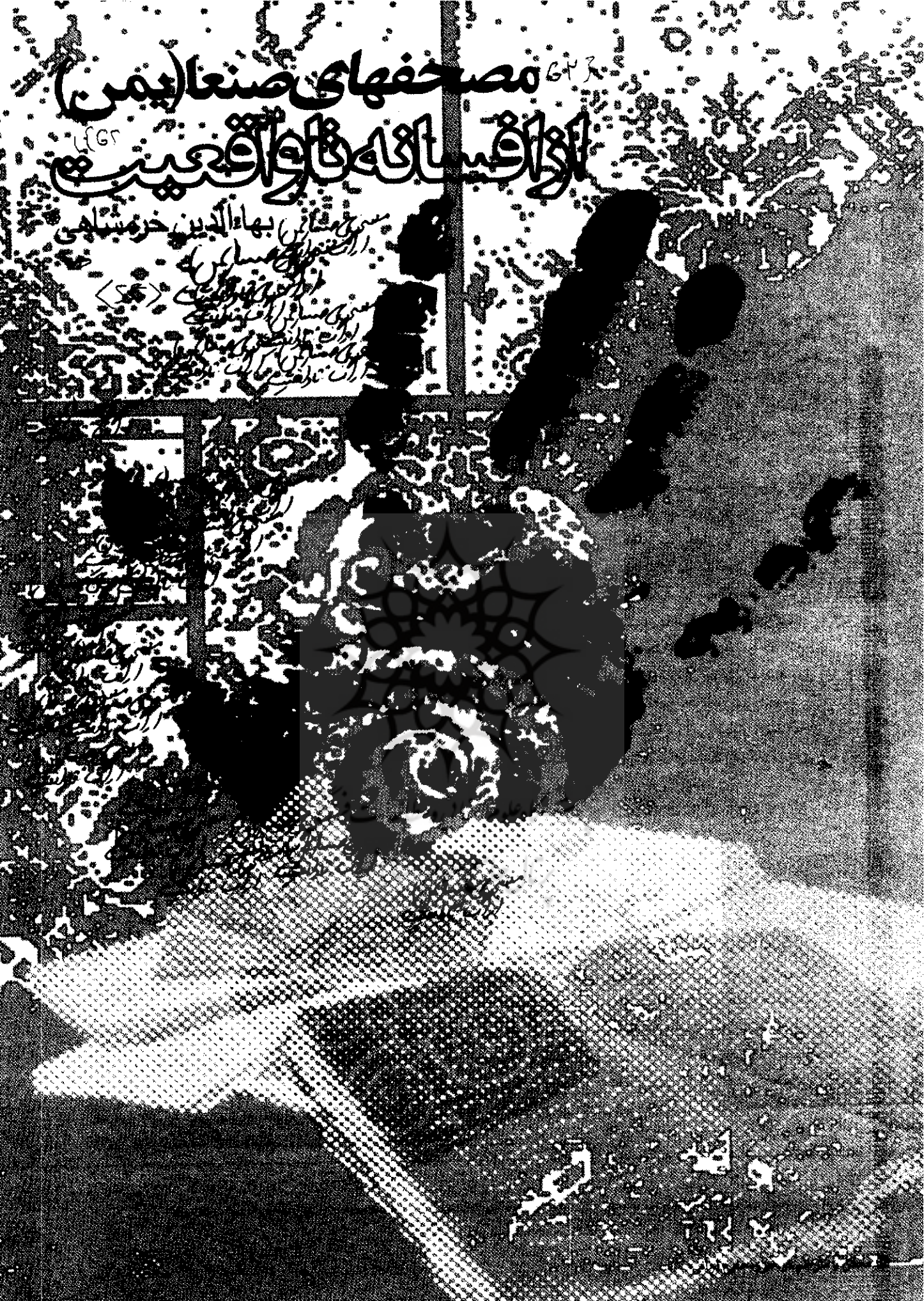


مصنفهای صنعا (يمن)

۱۹۶۲

از اقیانوس تا واقعیت

مجموعه مقالات بهاء الدین خرمیشاهی
 از انتشارات خرمیشاهی
 تهران - خیابان ولیعصر
 شماره ۱۰۰ - پلاک ۱۰۰
 (۵۰۰)



نزدیک به سه، چهار سال است که خبر کشف «گنجینه‌ای از دستنوشته قرآنهاى خطی کهن» تحت عنوان «مصحف (های) صنعا» به افق فرهنگی ایران رسیده و گاه و گدار بحث و خبر درباره آن (ها) در بعضی نشریات امروز دیده می‌شود.

در یکی از مقالاتی که از حسن اتفاق، به قلم یکی از متخصصان هنرهای اسلامی، استاد دکتر محمد خزائی، عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس، نوشته شده چنین آمده است: «یکی از زیباترین این قرآنها، قرآنی است که با یک سرلوح کاملاً تزیینی همراه با ۵۲۰ صفحه کل قرآن را در بر دارد. هر صفحه از این قرآن شامل ۲۰ سطر می‌باشد. سرلوح این قرآن با ابعاد ۵۰×۴۷ سانتیمتر که بخشی از آن صدمه دیده است. هنرمند آن را به شکل یک بنای عظیم هشت طبقه‌ای با کنگره‌های فراوان طراحی کرده است. این قرآن جزء قدیمی‌ترین قرآنهاى این مجموعه [و] حدود سالهای ۹۲ تا ۹۷ هجری کتابت شده است...»^۱

عجالتاً باید گفت دوست فاضل فرزانه جناب دکتر خزائی منبعی برای این اطلاعات دقیق خود ذکر نکرده‌اند، و منابع دیگر تا آنجا که در دسترس اینجانب بوده از جمله یک سایت یا پایگاه اطلاع‌رسانی در اینترنت و مقاله «مصاحف قرآنی» «codices of the Quran» در دایرة المعارف قرآن به انگلیسی، به سرپرستی و سروراستاری جین دمن مکالیف (J.O. McAuliffe) (جلد اول، بریل، لیدن، ۲۰۰۱) با آن همخوانی ندارد.

در این مقاله راجع به ۵ یا ۶ نسخه مصحف امام یا عثمانی سختی گفته نشده و به مقاله «مصاحف عثمانی» در مجلدات است آینده این دایرة المعارف که هنوز منتشر نشده ارجاع داده است. دیگر اینکه گفته است نمونه‌هایی [طبعاً بسیار اندک] از «اوراق» یا به هر حال بازنوشته‌هایی از مصاحف عثمانی بازمانده که هنوز زمان نگارش یک بخش از کهن‌ترین آنها، به خط مائل سرمایل، (نوعی خط نسخ یا نسخی است که هزار و همراه با کوفی در یک- دو سده پیش از ظهور اسلام، در عربستان رواج داشته) با قاطعیت و قطعیت روشن نشده است.

در همین مقاله در اشاره به مصاحف صنعا چنین آمده: «... بعضی از مصحفهایی که در دفینه‌ای در جامع کبیر صنعا در سال ۱۹۷۲ (۱۳۵۱ش) کشف شده به نظر می‌رسد تاریخ کاملاً کهنی داشته باشد...» (اما هیچ اشاره به اینکه

اینها

مصاحف کامل و کاملاً با

یک قلم به طرز منظم و منسجم

باشند ندارد). در دنباله مطلب پیشین چنین

آمده است: «در هر حال مقدار ناچیزی از این

مواد بازیافته، آماده برای پژوهش فقه اللغوی (واژه-

متن پژوهی زبان‌شناسانه تاریخی) است و تاکنون معلوم

نیست که این نسخه‌های خطی تا چه میزان از رسم الخط

عثمانی فرق و فاصله دارد. از سوی دیگر بعضی از

محققان برای چند برگ از مصاحف کهنی که در اصل در

جامع اموی در دمشق نگهداری می‌شده، منشاء و اصلیت

زمانی اموی قائلند.^۲

حال ابتدا آمار و اطلاعات و نظرگاه یکی از

اسلام‌شناسان غربی و سپس ارزیابی یکی از بزرگ‌ترین

صاحب‌نظران مسلمان را درباره مصاحف صنعا (یمن) با

تحقیق و تدقیق بیشتر عرضه می‌داریم.

در نشریه الکترونیکی The Athajntic Online که

ماهنامه است، در شماره ژانویه ۱۹۹۹، مستشرق

قرآن پژوهی به نام توبی لستر Toby Ledter مقاله‌ای

پراطلاع و حساس و در عین حال دارای سفسطه‌های پیدا

و پنهان در چند بخش نوشته است که چند تن از

صاحب‌نظران اعم از اسلام‌شناس اروپایی و مسلمان به

آن پاسخ موافقانه یا تخطئه‌گرانه و منطقی و مقنع داده‌اند،

که خلاصه‌ای از یکی از آنها را که بهترین و جامع‌ترین

است، به تلخیص نقل می‌کنیم.

● درباره مصاحف پاره پاره و پراکنده صنعا

توبی لستر در آغاز مقاله‌اش که «قرآن چیست؟» نام

دارد، چنین آورده است: در سال ۱۹۷۲ (۱۳۵۱ش)

کارگران، در طی فعالیتهای بازسازی مسجد جامع کبیر

صنعا، در یمن، در لایه‌لای سق در لایه درونی و

بیرونی، به طرز غیرمترقبه به مقابری برخوردند که در

نظر اول تشخیص ندادند که آنها مقبره‌اند. بی‌خبری آنان

موجه بود. زیرا مساجد معمولاً قبرستان [درونی] ندارند و

این مقر و مقبره‌ها هم، هیچ نوع سنگ قبری نداشت.

همچنین هیچ نوع بازمانده و بقایایی از اجساد انسانهای به

خاک سپرده یا هیچ نوع جواهرات و زرو زیورهایی که در

بعضی سنن همراه مردگان در مراسم تشییع و

خاک‌سپاری حمل و سپس دفن می‌کنند، موجود نبود.

در واقع در آنجا چیزی نبود جز توده‌ای اتبوه از اسناد

نوشته بر پوست و چرم و تیماج و کاغذ، که چندان جلب نظر نمی کرد؛ همچنین کتابهای پاره پاره و فرسوده و کاغذهای پراکنده متون عربی، که در طی قرنهای باران خوردگی و رطوبت و نم و دندان زدگی موشها و آسیب حشرات، درآمده بود.

کارگران برای به پایان رساندن کار و وظیفه خود نسخه های فرسوده خطی را روی هم جمع کردند و همه را در داخل حدوداً بیست گونی سبب زمینی به زور جای دادند و آنها را در پیچ و خم پلکان مناره های مسجد، وانهادند. تا در آن فضای مسدود و مقفل مدتهای مدید دیگر فراموش و متروک و مهجور بماند. ولی قاضی اسماعیل الاکوع که آن زمان رئیس وثائق عتیقه یمن بود، اهمیت احتمالی این بازیافته ها را دریافت.

او در صدد جلب یاریهای جهانی برای بررسی، بازشناسی و حفظ این «مواد پاره و پراکنده» برآمد و در سال ۱۹۷۹ (سال انقلاب اسلامی ایران) کوشید که نظر یک پژوهشگر بازدیدکننده آلمانی را به آنها جلب کند و او نیز به نوبه خود دولت آلمان را ترغیب کرد که طرح و برنامه ای برای بازشناسی و احیای آنها تأمین کند. برنامه که گاه به آن «گورستان کاغذ» می گفتند و در مورد این نویافته های کهن، آرامگاه بسی چیزها از جمله دهها هزار فقره متعلق به نزدیک هزار مصحف پوست-نوشته و گوناگون قرآن، یعنی کتاب مقدس مسلمانهاست. بعضی گروه ها و محافل مسلمان متشروع برآنند که نسخه های فرسوده و آسیب دیده قرآن، باید از دسترس مردم و قاریان خارج شوند، و از اینجا به فکر تهیه مدفن افتاده اند که دو منظور را برآورده: نخست اینکه تقدس نسخه های کتاب مقدس که در دل خاک آرمیده محفوظ بماند، دیگر آنکه همگان مطمئن باشند که فقط از نسخه های کامل و سالم برای قرائت [و تحقیق] استفاده می شود.

بعضی از صفحات چرمین و پوستی در مجموعه یعنی، تاریخشان به قرن هفتم و هشتم میلادی یا قرنهای اول و دوم اسلامی باز می گردد. این قطعات یا فقرات پراکنده، به یک تعبیر شاید کهن ترین قرآنهاى موجود باشند. مهمتر آنکه، بعضی از این قطعات و فقرات، تفاوتهای اندک اما مهم و توجه انگیزی نسبت به متنهای رسمی قرآن دارند.

این دگرسانیها، اگر چه برای متن پژوهان و پژوهندگان تاریخ متن، شگفت آور نیست، به طرز دردسرانگیزی با اعتقاد رسمی مسلمانان ناسازگار است، که برآنند قرآنی که نسل اندر نسل به ما رسیده در همین هیئتش دقیقاً کلام الله کامل، سرمدی (فراتر از زمان) و لایتغیر است. تا اینجا آنچه نقل شد بی طرفانه و غالباً (نه تماماً) گزارش واقع یا واقعیت بود، ولی در پاراگراف نهایی این بخش که اولین بخش از مقاله پنج-شش بخشی اوست، ارزش گذاریها و اظهار نظرهای حق به جانب و درآمیختن حق و باطل به قصد القای مقاصد خاص (مهم تر از همه تشکیک و تزلزل ایجاد کردن در اذهان مسلمانان و دین پژوهان در مورد جایگاه منحصر به فرد مصونیت از تغییر و تحریف عمدی یا غیر عمدی قرآن کریم در میان همه کتب مقدس) و برانگیختن فتنه های دراز آهنگ را تحت لوای لافافه ترغیب مسلمانان به رسیدن به رنسانس و احیای فکری و فرهنگی، از دیده ناظر بی طرف اما هوشیار پنهان نمی ماند که آشکارا احساس می شود از بیان ظاهری کلمه حق، باطناً مراد باطل دارند. به پاراگراف نهایی این بخش توجه فرمایید:

«تلاشهای عمده عرفی ابرون دینی، و قطع نظر از اعتقاد که برای تفسیر مجدد و بازشناسی قرآن انجام گرفته -و بعضاً مبتنی بر شواهد متنی نظیر شواهدی که مجموعه یمنی تأمین کرده، بوده است- از نظر بسیاری مسلمانان تشویش آور و برخوردار بوده است، درست همان گونه که تلاشهای معمول برای تفسیر مجدد و بازشناسی کتاب مقدس (عهدین) و کندوکاو در سیره مسیح (ع) برای بسیاری از مسیحیان محافظه کار نگرانی آور و برخوردار بوده است.

مع ذلک، محققانی، از جمله در میان خود مسلمانان هستند که احساس می کنند چنین تلاشهایی که اساساً به معنای در زمینه تاریخ قرار دادن قرآن است، نیروی لازم برای برانگیختن احیای فکر اسلامی به انواع و اقسام مختلف، و سنجیده سازی و به سامان آوری «سنت» را به بار می آورد، یعنی به پیش رفتن، یا نظر داشتن به گذشته. تا آنجا که به بحث علمی صرف مربوط و محدود می شود، این نحوه برخورد و برداشت، در هر صورت بس نیرومند است -چنانکه سیر و سرگذشتهای رنسانس و نهضت اصلاح دینی [در اروپا] نمونه و نمایانگر آن است- و می تواند تحول اجتماعی عظیمی را راهبر شود. قرآن،

هرچه باشد، در جهان امروز از نظر ایدئولوژیک، مؤثرترین متن است.»

۶۳ ● نظر و پاسخ و ارزیابی دکتر محمد مهر علی ۳

(Dr. Mohar Ali)

هنوز همه اطلاعات و ارزیابیهای لازم را که باید در بخش پیشین به میان می‌آوردیم، طرح نکرده‌ایم. دلیلش این است که در این بخش ضمن پاسخها و ردیه‌ها و روشنگریهای دکتر مهرعلی از آنچه لازم است باخبر خواهیم شد. این محقق مسلمان قرآن‌شناس طراز اول، استاد پیشین تاریخ اسلام در دانشگاه اسلامی مدینه و دانشگاه اسلامی امام محمد (در ریاض) و مولف سیره‌النبی و مستشرقان، و الکنش بنگالیان، به فعالیت‌های تبشیری مبلغان مسیحی و صاحب ترجمه کلمه به کلمه قرآن کریم (سوره‌های اول و دوم به انگلیسی) و چندین اثر دیگر است.

مقاله این استاد مسلمان هم بلند است و بخشهای پنج- ششگانه مقاله لستر را یک به یک و حتی گزاره به گزاره (البته گزاره‌هایی که مهمتر و جان‌کلام‌اند) پاسخ می‌دهد. در بخش «نگاهی به قطعات و فقرات پراکنده» که درست همانند نام‌گذاری لستر است، استاد مهرعلی چنین آورده است: «۱. واری اولیه [لستر] در ذیل چنین عنوانی از کارهایی که بر روی «قطعات و فقرات» صنعا انجام شده سخن می‌گوید. می‌گوید که دو محقق آلمانی به نامهای جرد-ر-پوئین (Gerd-R- Puin) و ه. ک. گراف-فون بوئمر (H. C. Graf van Bothmer) از استادان دانشگاه سارلند Saarland، در طرح احیا و حفظ دفینه بازیافته، پژوهش کرده‌اند و آنها را به دقت دیده‌اند. تا امروز (تاریخ نگارش مقاله حدوداً ۳-۴ سال پیش) ۱۵۰۰۰ صفحه «تسطیح، پاکسازی و جمع و جور شده است» تا نگاهداری شود.

گفته شده است هر چند مقامات یمنی «به نظر می‌رسد که اکراه دارند» که اجازه بررسی دقیق‌تر و تفصیلی‌تر صفحات را بدهند، بوئمر «بیش از ۳۵۰۰۰ میکروفیلم از قطعات و فقرات را تهیه کرده و اخیراً تصویرها را به آلمان بازگردانده است» (منظور لستر از گفتن اینکه این تصاویر به آلمان بازگردانده شده است، چیست؟ مگر آنها اصلاً و اولاً از آن کشور بیرون برده شده بودند؟) لستر می‌گوید که پوئین و بوئمر «فقط چند مقاله کوتاه شوق‌انگیز» در باب «قطعات و فقرات» یمنی نوشته‌اند و

اینکه

پوئین «به قدمت بعضی از

قطعات و فقرات پوستی یا پوست

نوشته پی برده است» و «واری اولیه او»

نشان می‌دهد که «توالی آیات نامعهود است،

اختلاف قرات و شیوه شاذ کتابت در آنها مشهود

است و آثار دوباره‌نویسی بر روی نوشته‌های پیشین و

حتی کهن به چشم می‌خورد و نیز فقراتی از محو کردن

یا شستن و دوباره نوشتن اصلاحی.» لذا پوئین «کم‌کم

چنین احساسی پیدا کرده» که تصویر جامعی که از این

بررسیها برمی‌آید عبارت است از «متنی متکامل نه صرفاً

و به سادگی کلام‌الله که بتمامه وحی و ابلاغ [و به

درستی کتابت] شده باشد. لستر این بخش از مقاله را با

نقل قول از پوئین پایان می‌دهد که می‌گوید از آنجا که

مسلمانان «دوست دارند که به کتب تاریخ عهدین استناد

کنند که نشان می‌دهد عهدین / کتاب مقدس دارای تاریخ

خاص خود [تکامل تدوین متن] است»، «قطعات و

فقرات» بازیافته در صنعا نیز «به ما کمک می‌رساند» که

«ثابت کنیم قرآن هم دارای تاریخ خاص خویش است.»

اینک روشن است که پوئین، لستر و همکارانشان صرفاً

آرزو دارند که ثابت کنند «قرآن هم مانند عهدین- دارای

تاریخ است». و اظهار می‌دارند که از تماشای این

«چشم‌انداز» که «قطعات و فقرات» صنعا به آنان امکان و

توان چنین کاری را می‌دهد، به وجد آمده‌اند. عطف به

دلایلی که اینان برای تحقق بخشیدن به آرزوی خود

دارند، تاکنون هیچ چیز معتبر یا معنی در این باب عملاً

عرضه نشده است. ادعا می‌شود که واری اولیه پوئین از

«بعضی قطعات و فقرات چرمی / پوستی، این نکات را

نشان می‌دهد و روشن می‌سازد:

۱) وجود ترتیب و توالی نامعهود آیات.

۲) اختلاف قرات ناچیز.

۳) شیوه‌های شاذ کتابت و رسم الخط.

۴) دوباره‌نویسی بر روی جای خالی آیات و عبارات

محو شده، یا شسته شده.

حتی یک مورد موید یا نمونه خاص از این مدعیات

عرضه نشده است:

در مورد نکته اول، از آنجا که واری محدود و منحصر

به «بعضی از قطعات و فقرات چرمی / پوستی» بوده است،

چه‌بسا تغییر و تفاوت ادعائی، مربوط به نحوه ترتیب و

برساختن نظریه‌ای که تأمل به تکامل تدریجی هر متنی باشد، نیست.

به همین ترتیب ادعای دوباره‌نویسی بعضی کلمه‌ها در محل پاک شده یا شسته شده در بعضی موارد، ادعائی غلط‌انداز است. به آن کلمات یا عباراتی که بدین ترتیب در بخشهایی از مجموعه این قطعات و فقرات دوباره‌نویسی شده است، به هیچ وجه تصریح یا اشاره نشده است. حتی اگر به اینها اشاره شده بود، چیزی را نمی‌توانست ثابت کند، مگر اینکه ثابت شود که کلمات یا عبارات شسته شده یا پاک شده با آنچه دوباره‌نویسی شده، فرق دارد. چرا که چنین دوباره‌نویسی‌ای چه بسا در درجه اول و به آسانی ناشی از سهواً قلم، و در مرحله بعد ناشی از طغیان مرکب قلب که به هر دلیل در موردی رخ داده، و بخش خاصی را ناخوانا کرده، بوده است.

در مجموع پونین و لستر صرفاً کوشیده‌اند از کاه، کوه بسازند؛ آن‌هم بر مبنای شواهدی، ناقص و نارسا و غیرقطعی و غیرروشن و نامشخص و بلا تکلیف.

● [تکلمه] در باب اینکه چگونه می‌توان تکاملی بودن متنی را احراز کرد

برای احراز و اثبات تکاملی بودن [جمع و تدوین و کتابت] هر متنی، مخصوصاً متن مقدس دینی، [دست کم] چهار عامل یا عنصر لازم است:

(۱) یافتن تعدادی از نسخه‌های متن مورد نظر.

(۲) اطمینان حاصل کردن و اثبات اینکه نسخه‌ها به تاریخهای مختلفی تعلق دارد.

(۳) بازشناسی ترتیب و توالی تاریخهایی که هر تک نسخه یا گروه نسخه‌ها به آن تعلق دارد. به عبارت دیگر، تغییرات و اختلافات باید، متوالی (و منظم) باشد. اگر یک نسخه با تاریخ مؤخر با نسخه‌ای با تاریخ مقدم فرق دارد، ولی در عین حال هنوز با نسخه‌های کهن و موجود همخوانی و همارایی دارد، هرگز نمی‌توان ادعای تکاملی بودن تدریجی را احراز کرد یا به ثبوت رساند. در چنین موردی نسخه یا نسخه‌هایی که از نظر زمانی بینابین هستند باید ناصحیح یا بلا تکلیف تلقی شوند.

(۴) و مهمتر از همه، نسخه‌ای که ادعای تکاملی شود نسخه‌ای متفاوت و بی‌بدیل است باید در هر دوره و تاریخی که هست، از سوی متخصصان جامعه دینی‌ای که ذی‌ربط است، مورد بررسی قرار گیرد و برسر آن تحقیق شود و در نهایت تحقیق، مدعیاتی که مراجعه به آن می‌شود،

قرار دادن

اشتباهی خود قطعات و

فقرات باشد. از سوی دیگر در قرآن

کریم چه بسیار آیات و عبارات مشابه

وجود دارد که تفاوت آنها، فقط اختلاف

ناچیزی در تعبیر یا عبارت است. محقق باید مطمئن

باشد که این قطعات و فقرات مورد بحث، صرفاً

مجموعه‌ای از چنین آیات و عبارات همسان و یکسان

نیست، بلکه بخشهایی از یک متن پیوسته از سوره‌ای

معین است. پیش از چنین نتیجه‌گیری خطیری در باب

آنها، لااقل بررسی دقیق‌تر و کامل و شامل‌تری از قطعات

و فقرات ادعائی، ضروری است. این نکته نیز ارزش تأمل

و امعان نظر دارد که بدانیم آن توالی کمابیش نامعهود

بعضی آیات، در بعضی بخشها، حداکثر مربوط به بیدقتی

یا تغییر و تبدیل آگاهانه (به هر قصد و غرض) آن بخش از

متن باشد، و نه تکامل‌یابی متن در طی دوران زمانی ادو یا

چند قرن. مهم‌تر از همه اینکه از عین بخش یا بخشهایی

که ادعا می‌شود در آنها ترتیب و توالی نامعهود رخ داده

نقلی یا ذکری به میان نیامده است.

در باب مطلب دوم نیز، هیچ نمونه مشخصی نقل و

عرضه نگردیده است. ما می‌دانیم که اختلاف قرائت (یا

شاید کتابت) راجع به بعضی کلمات یا عبارات در قرآن

وجود دارد و این‌گونه مسائل تقریباً در اغلب تفاسیر کهن

قرآن، به تفصیل و دقت مطرح شده است. باید مطمئن شد

که «اختلاف قرائت ناچیز» که از آن سخن گفته شده به

این اختلاف قرائت بعضی کلمات [که در منابع معتبر

اسلامی هم ثبت و ضبط شده است] مربوط است، یا جز

آنهاست.

در مورد شیوه شاذ کتابت و رسم‌الخط [غریب]، باید

گفت که مصادیق و نظایری از آنها در قرآن رسمی [ما

مسلمانان] وجود دارد، و نشانگر و نمایانگر این واقعیت

است که قرآن را همواره به دقت و وسواس، درست مانند

دوره خلیفه عثمان، به کتابت [و تجدید کتابت]

درمی‌آورده‌اند. و همین است وجه تسمیه آنها به

مصاحف و رسم/رسم‌الخط عثمانی. پونین یا لستر کلمه

یا عبارت مشخصی که [به ادعای آنان] در قطعات و

فقرات مصاحف صنعا هست، و با رسم‌الخط مصحف

عثمانی فرق دارد یاد نکرده‌اند. از سوی دیگر تغییر جزئی

رسم‌الخطی در مورد چند کلمه، مبنای کافی برای

پذیرفته چنین جمع و جامعه‌ای قرار گیرد. چرا که «ترتیب و توالی نامعهود» بعضی آیات و عبارات، یا حتی فصلها (سوره‌ها) در بعضی تک‌نسخه‌ها چه‌بسا نتیجه سهل‌انگاری نسخه‌نگاران، یا حتی «سبق ذهن و آرزواندیشی و چگونگی» تعلق خاطر علمی یک فرد باشد. زیرا می‌دانیم که بر مبنای گزارشها یا منقولات مربوط به اسباب/شان نزول عبارات یا سوره‌هایی از قرآن کریم که طبعاً در دوره حیات حضرت پیامبر(ص) او نزول وحی پدید آمده، بعضی اشخاص [کم‌تبع] در دوره‌های بعد، کوششهایی کرده‌اند که متن [عبارات یا سوره‌های قرآن] را به نظم و ترتیب تاریخی درآورند. فی‌المثل در سال ۱۸۷۶ ترجمه ارادول (A. Radwll) از قرآن کریم «با نظم سوره‌ها بر حسب تاریخ نزول» منتشر شد؛ و به فاصله اندکی از انتشار اثر او، میرزا ابوالفضل، مسلمان بنگالی در سال ۱۹۱۱ ترجمه‌ای به انگلیسی از قرآن منتشر کرد که حتی متن قرآنی که همراه آن بود نظم سنوی یا به ترتیب نزول سوره‌ها داشت. همچنین ریچارد بل (R. Bell) در سال ۱۹۳۷ کار مشابهی انجام داد. یعنی ترجمه انگلیسی‌اش برحسب «بازآرایی انتقادی توالی سوره‌ها» بود. و در مورد مجموعه قطعات و فقرات قرآنها یعنی چنین سنجش و امعان نظری انجام نگرفته است.

● تبیل و تکمله

درست در زمانی که مقاله حاضر برای درج در فصلنامه «پیام جاویدان» آماده می‌شد، به مقاله پراطلاع و ارزشمندی، به ترجمه آقای قدیر افروند برخوردیم که عنوان آن چنین است: «نسخه‌های خطی قرآن در موزه‌ها، مؤسسات، کتابخانه‌ها و کلیسیون‌های جهان» و منبع آن یک سایت اینترنتی با این مشخصات است:

www.islamic-awareness.org

اولین مرکزی که در این مقاله معرفی شده و حاوی اطلاعات ارزشمندی «مکتبه الجامع الکبیر (مکتبه الاوقاف)، مسجد جامع صنعا، یمن» که در آغاز آن آمده است «مسجد جامع صنعا در سال ششم هجری بنیانگذاری گردید. در آن زمان [که هنوز چهار سال به پیروزی نهایی اسلام و فتح مکه مانده بود]، حضرت رسول(ص) یکی از اصحابش را برای ساختن مسجدی بدانجا مأمور کرد که به نظر می‌رسد اولین مسجد یمن و همچنین کهن‌ترین مسجد جهان اسلام است. این مسجد

توسط

حاکمان اسلامی، دوره به دوره گسترش و عظمت [بیشتر] یافت. مجموعه نسخ خطی (حدود ۷۰۰۰ نسخه) مسجد جامع در ۳ کتابخانه در مجموعه ساختمانی مسجد نگهداری می‌شوند... [سومین کتابخانه] مکتبه الاوقاف [است] که کتابخانه اصلی جدید هم هست، در طبقه دوم ساختمان سه طبقه جدید مسجد جامع صنعا واقع است و شامل نادرترین نسخ خطی اسلامی در جهان و نسخ کم‌نظیری از قرآن می‌باشد... سپس ماجرای کشف مجموعه مصحف‌های صنعا را شرح می‌دهد که در تاریخ و جزئیات اندک تفاوتی با آنچه در متن مقاله حاضر نوشته و ترجمه راقم این سطوراً آمده، دارد. سپس اطلاعات ارزشمندی از تحولات و اقدامات اخیر به دست می‌دهد: «سازمان یونسکو یک CD شامل تعدادی از نسخ تاریخ‌گذاری شده صنعا را به عنوان بخشی از برنامه Memory of the world (حافظه/محمفوظات جهانی) خود عرضه کرد. در این CD بیش از چهل نسخه خطی قرآن از قرن اول هجری (هم به خط [نسخ/نسخی] حجازی و هم کوفی) معرفی شده‌اند که یکی از آنها به اوایل قرن اول هجری تعلق دارد. بیش از ۴۵ نسخه در این مجموعه، قرن اول و دوم هجری تاریخ‌گذاری شده‌اند.

تعدادی از این نسخ با قدمت قرن اول و دوم و قرون دوم و سوم هجری در این وب سایت قابل مشاهده می‌باشند. تعداد بیشتری از نسخ قرآنی قرن اول و قرون اول و دوم صنعا نیز در کتاب مصاحف صنعا معرفی شده‌اند. و خوشبختانه با دادن نشانی و مشخصات اثر که درباره مصاحف صنعاست خدمتی ارزنده به قرآن‌پژوهان مخصوصاً پژوهندگان تاریخ قرآن، انجام داده‌اند:

ترجمه CD-Rom PreSentation, UNESCO

1. Memory of the world: Sana' Manuscripts

1985, Kuwait, Daral- Athar al-Islamiyyan.

2. Masahif Sana',

Al-Furqan Islamic Heritage Foundation

of Islamic Manuscripts, 1992, Vol. III, London,

3. Geoffrey Roper (ed), World Survey

PP. 664-667.

در این مقاله به سایر مراکز حفظ یعنی نگهداری نسخ خطی (کهن) قرآن مجید هم اشاره شده است از جمله: ۲) دارالکتب المصریه (که در حکم کتابخانه ملی مصر است) که نسخه‌های متعدد و نادر و کهنی از چهار قرن اول اسلام دارند از جمله در مصحف بسیار کهن، یکی به تاریخ ۱۰۲ هجری و دیگری ۱۰۷ هجری؛ ۳) همچنین کتابخانه آستان قدس رضوی در ایران (مشهد) که بزرگ‌ترین مجموعه نسخ خطی قرآنی (۱۱۰۰ نسخه) را در گنجینه خود دارد. نسخه‌های کهن کوفی، بویژه از قرن سوم هجری، در این گنجخانه بسیار است. ۴) همچنین موزه اسلامی، بیت المقدس (فلسطین)، این موزه تأسیس شده به سال ۱۹۲۳ دارای ۶۴۴ نسخه قرآن کهن وقف شده به مسجد الاقصی و قبه الصخره و کهن‌ترین آنها متعلق به قرن دوم هجری است. ۵) بیت القرآن در منامه (بحرین) مجموعه نسخ خطی قرآنی بیت القرآن یکی از مهمترین مجموعه‌های جهان است، شامل آثار نفیسی حتی از قرن اول هجری است. این مجموعه خصوصی است. ۶) مجموعه هنر اسلامی، ناصر دیوید خلیلی (لندن): مجموعه هنر اسلامی خلیلی شامل بزرگترین و جامعترین دسته (مربوط به یک دوره تاریخی خاص و نظایر آن یا به یک قلم/خط خاص/یا از یک خوشنویس خاص) آثار خطی قرآنی در میان مجموعه‌های خصوصی می‌باشد که به وسیله «بنیاد و نور» اداره می‌شود... گروهی از محققان دانشگاهی. کاتالوگی از تمام آثار مجموعه (شامل ۲۶ مجلد) تهیه کرده‌اند. این نسخ به خطوط مختلف (شامل مواردی از نقاط دوردستی همچون هند و اسپانیا) کتابت شده و دارای قدمتی از اواخر قرن اول هجری به بعد می‌باشند. بنیاد و نور با همکاری انتشارات دانشگاه آکسفورد این مجموعه را منتشر کرده است.

در ایران ترجمه دو جلد از این مجموعه (۱) سبک عباسی ۲. هنر قلم) در مورد هر دو: سرویراستار انگلیسی چولیان رابی. مترجم فارسی: پیام بهتاش، ویراستار فارسی: ناصر پورپیرار- با کیفیت چاپی عالی به طبع رسیده است (تهران، نشر کارنگ، ۱۳۷۹). ۷) کتابخانه ملی پاریس: ... تعداد قابل ملاحظه‌ای نسخ خطی قرآن متعلق به نخستین سده‌های هجری را دارا می‌باشد. ۸) موزه مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو (آمریکا): این موزه دارای مجموعه‌ای از

نسخ خطی قرآن با قدمتی از نیمه دوم قرن اول هجری به بعد است که به عنوان نسخ قرون اول/دوم هجری طبقه‌بندی شده‌اند. ۹) کتابخانه چستر بییتی (دوبلین در ایرلند): ... مجموعه قرآنی شامل حدود ۲۵۰ نسخه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و با نسخ توقایی سرای در استانبول رقابت می‌کند. نسخ برجسته در این مجموعه یکی قرآنی است از ۹۷۲ میلادی [=۳۶۲هـ.ق] که قدیمی‌ترین قرآن تاریخ‌دار نگاشته شده بر روی کاغذ است.

و دیگر قرآن کتابت ابن یوآب با رقم صحیح و صریح و تاریخ ۳۹۱هـ.ق/۱۰۰۱ به همت والای اسلام‌شناسی به نام رایس (Rice) چند دهه پیش در نسخه‌های معدودی چاپ عکسی، یا به قول استاد ایرج افشار چاپ برگردان، یا به قول اروپایی‌ها به صورت فاکسیمیله منتشر شده است، و در ایران با حمایت وزیر هنرپرور فرهنگ و ارشاد اسلامی و همت و آرماتی کم‌نظیر استاد محمد زهرابی مدیر نشر کارنامه، همین چاپ عکسی در دست تجدید چاپ با کیفیتی فوق‌العاده عالی است، و قرار است راقم این سطور که مدت‌ها در همین نسخه تبع و تحقیق کرده است، جزوه‌ای در معرفی و ارزیابی ابن یوآب و این مصحف و خط و رسم الخط و اختلاف قراءت مهم آن بنویسد. امیدواریم تا نمایشگاه بین‌المللی بعدی کتاب در سال ۱۳۸۳ که اتفاقاً درست همزمان با هزار و چهارصدمین سالگرد جمع و تدوین عثمانی قرآن کریم (در حدود سال ۲۵ هجری قمری) می‌شود، این اثر به صاحب‌دلان اهداء شود. ۱۰) مؤسسه مطالعات شرقی آکادمی علوم روسیه (سن پترزبورگ، روسیه). [نسخ خطی این مؤسسه ۸۵ هزار است یعنی بیش از ۳۰ هزار نسخه بیشتر از دارالکتب المصریه. و طبعاً از این نظر] بزرگترین مجموعه نسخ خطی در جهان است آن هم با نسخه‌هایی به ۶۵ زبان زنده و مرده شرقی. این مؤسسه یکی از قدیمیترین نسخه‌های قرآنی به تاریخ نیمه اول قرن هشتم میلادی [قرن دوم هجری] را داراست. این نسخه در بردارنده تغییراتی [نقطه و نشان سجاوندی و اعراب] در نگارش و ترتیب متن قرآن است. چنین تغییراتی احتمالاً یک قرن بعد از تاریخ کتابت نسخه با مرکب شنگرف (قرمز) به متن افزوده شده‌اند.

● سخن آخر

اما اینهمه نسخه‌های کهن و شگرف از جمله نسخه اخیر اندکی یا نسخه محفوظ در مؤسسه شرقی دانشگاه

شیکاگو که در همین مقاله گفته شد متعلق به نیمه دوم قرن اول هجری یعنی سالهای ۵۱ تا ۹۹ یا ۱۰۰ هجری است، تا آنجا که تاریخ فوق العاده روشن و مستند جمع و تدوین قرآن نشان می‌دهد و دهها اثر طراز اول کما بیش هزار ساله (تا هشتصد و هفتصد ساله) در زمینه قرائت‌های هفتگانه، هشتگانه، دهگانه، چهارده‌گانه و بیست‌گانه قرآن وجود دارد - و مهم همان قرائت هفتگانه است که کهن‌ترین است - و حتی معجم (فرهنگ‌واره‌ای) که از حدوداً ۱۰ هزار (دقیقاً ۱۰۲۴۳) مورد تفاوت املاء یا کتابت [اختلاف قرائت و ضبط] به نام معجم القراءات القرآنية. اعداد احمد مختار عمر و عبدالعال سالم مکرم (طبع کویت و افسس توسط انتشارات اسوه در تهران، ۱۴۱۳هـ./۱۹۹۲م، ۹ جلد. جلد نهم که فهرس است یا چاپ نشده یا در افسس ایران نیامده است)، کار مراجعه را تسهیل کرده است؛ متن مقدس قرآنی تبلور قطعی تاریخی‌اش را در ۱۴۰۰ سال پیش (در حدود سال ۲۵ هجری، دومین سال خلافت عثمان) با اتمام خارق العاده جمعی ۴-۶ نفره که سرپرستی آنها با زید بن ثابت بوده، بر مبنای نسخه کامل قرآنی که تماماً در زمان حیات و با نظارت مستقیم و مداوم و مادام‌العمر بیست و سه سال، و نهایتاً تا یک ماه پیش از درگذشت حضرت ختمی مرتبت که عرض یا مقابله دوم قرآن بین حضرت (ص) و جبرئیل انجام گرفت، و آن نسخه چون نزول وحی ادامه داشت، و به رهنمود وحی جابه‌جایی آیه‌ها در سوره، و سوره‌ها در قرآن به دستورگیری و حیانی و دستور دهی قاطع حضرت (ص) ادامه داشت، آن هم بر روی نوشت افزاری یا دقیقتر، لوح‌گونه‌هایی که قرطاس [احتمالاً همان پاپیروس حصیر مانند و نه کاغذ به مصداق و معنای امروزی] کمترین سهم را در آن داشت، به‌تمامه نوشته شده اما به صورت قطعی مدون و بین‌الدفتین نشده بود.

اما نظم و نظام و ترتیب و توال توفیقی آن از سوی مهبط وحی حضرت ختمی مرتبت (ص) دقیقاً حتی با نامگذاری (گاه دوگانه بعضی) سوره‌ها، تعیین شده بود. این قرآن در اختیار ابوبکر و پس از او در اختیار عمر، و پس از او به ارث یا امانت نزد حفصه، بنت عمر بن خطاب (و همسر رسول‌الله -ص-) محفوظ مانده بود که در اختیار زید و گروهش قرار گرفت و او سرپای آن را

با دو معیار، یکی حافظه‌ها و شهادت‌های مکرر از حافظه حافظان و دیگر مطابقه با مصاحف دیگر چون مصحف خودش و مصحف ابن عباس و اُبی‌بن‌کعب و چند تن دیگر، کار را پیش برد، مگر ابن مسعود که تا آخر از واگذاری مصحف شخصی‌اش ابا کرد، و چنانکه مشهور است پس از درگذشت او به امر حجاج آن را محو کردند. چنانکه پیش از آن هم، پس از توفیق و تکمیل کار لجنه زید که نهایتاً ۵ یا ۶ نسخه اصلی و اصیل معروف به مصاحف امام یا عثمانی به نحوی که گفته شد، یکسان و همسان‌نویسی شد، بقیه مصحف‌های شخصی یا مصحف‌گونه‌ها که طبعاً دارای اختلاف کتبی و رسم‌الخطی متعدد اما غیرمعتبر و غیرمسموع و غیرمقبول با مصاحف امام (که خود برابر با نسخه کتابت شده در عهد و با نظارت رسول‌الله -ص- بود) چون توحید نص حاصل شده بود، برای قلع ریشه شبهات و شبهه‌انگیزیهای مغرضانه بعدی، به دستور عثمان و صلاح‌دید سایر صحابه، سوزاندند یا در آب جوشاندند و محو کردند.

از آن مصاحف اصیل اصلی، دو نسخه در حرمین شریفین مکه و مدینه -مانند و چند نسخه دیگر به کوفه و بصره و شام و احتمالاً بحرین همراه با یک حافظ و قاری / مقرئ و الامام فرستاده شد. زیرا خواندن خط کوفی، بی‌نقطه و نشان آن هم برای جامعه‌ای که بیش از نود درصد مردم سواد خواندن و نوشتن نداشتند و فرهنگ شفاهی حاکم بود، بسیار دشوار بود. و اجازه بازنویسی یا رونویسی (استنساخ) از روی مصاحف امام هم با رعایت نهایت احتیاط و شرایطش به اهل حل و عقد یا زیر نظر آنان در هر مرکزی از مراکز نامبرده و سپس سرزمینهای دیگر داده شد. شاید این نکته تکان‌دهنده باشد که در قرآن کریم یعنی مصحف رسمی، نایکدستی املائی وجود دارد که حتی قرآن‌شناس بزرگی چون آیه‌الله محمد هادی معرفت در چاپ اول «التمهید» خودشان آنها را برشمرده و نام آنها را «الاحطاء الاملائیة» (غلطهای املائی) گذارده بودند و در چاپهای بعد فقط نام آنها را به «مخالفة الرسم» (اختلاف با رسم الخط عثمانی) تغییر دادند. اما وجود

همین
نایکدستی‌های املایی
جزو ادله و قوانین تجربی و تاریخی
و علمی و عملی و عقلی و عرفی و شرعی
(چون لایتغیر است) تحریف ناپذیرفتن متن
مقدس و یگانی و نهایی قرآن کریم است که تبلور
و پایایی جاودانه پیدا کرده است.

اگر بخواهیم از مصحف رسمی امروز جهان اسلام
که به خط «عثمان طه» خطاط هنرمند سوری (که در قید
حیات طیبه است و مادرش ایرانی) نوشته شده و به
مصحف المدنیه-ولی در عرف عادی مردم چون در مکه
به همه حجاج هدیه می‌شود، به قرآن مکه معروف است،
و مبنای آن مصحف قاهره است که در سال ۳۴۲ق به
درخواست ملک فؤاد اول، پادشاه مصر به طبع رسیده
است- سخن بگوییم، در مجال این مقال نیست.

یک مسئله قابل بحث مهم دیگر هم داریم و آن این
است که چگونه اینهمه اختلاف کتابتها و اختلاف
قراستها (که در جلوه یک امرند)، باعث تحریف‌پذیری
قرآن کریم نشده است و آن خود به مقاله‌ای مفصل‌تر از
این مقاله احتیاج دارد. اما حرف آخر این است که بر
خلاف احادیث که در عالم تسنن بی‌شبهه یک قرن (قرن
اول و شاید هم بخشی از قرن دوم) ممنوع‌الکتابه بوده
است، قرآن کریم قطعی‌الصدور و متصل‌الکتابه و
مستمر القرائه بوده است. با آن فتوحات شگفت‌آور
تاریخی اسلام در نیم قرن اول و نیاز جامعه میلیونی
اسلامی آن زمانه به بازنویسی یا استنساخ از روی
مصاحف امام، حتی اگر نسخه‌ای که در تاشکند است یا
نسخه‌ای که در دارالکتب المصریه محفوظ است جزو
مصاحف ۵-۶گانه امام/عثمانی نباشد، چندان نسخه از
روی مصاحف امام و با دقت و وسواس- نهایت طاقت
بشری که کار عشق و ایمان است- از همان آغاز نوشته
شده، و نسخه‌ها با هم سنجیده شده و علاوه بر علم
قرائت و اختلاف قرائت، علم رسم‌الخط هم از همان
آغاز پدید آمده بوده که دیگر نیازی نیست و نمی‌توان،
ادعا یا حتی اگر حمل به صحت کنیم آرزوی تکامل‌یابی
تاریخی قرآن را داشته باشیم.

مسلمانها چندان کوشش علمی و روشمندانانه در
توحید نص (یگانه‌سازی متن اصلی قرآن و کتاب یگانی
مصاحف ۵-۶گانه عثمانی) به خرج داده‌اند که در تاریخ

فرهنگ و ادیان و کتب مقدس و احیاء یا تصحیح متون،
سرآمد و بی‌سابقه و بلکه خود سابقه و درس آموز است.
همچنین از همان آغاز بدون ترس یا تردید یا تزلزل یا
نفاق یا مصلحت‌اندیشی سطحی، و ترس از شماتت
دشمنان و دیگران، اختلاف کتابتها و قراستها را با تأسیس
در علمی که گفتیم و بیش از آن هم، حفظ کرده‌اند.
چندانکه در اوایل قرن سوم هجری هفت قرائت معیارین
و هر یک با دو روایت معیار پدید آمد و به رسمیت
شناخته شد (چهارده روایت).

هم‌اکنون در پایتخت مقدس و قدسی جهان اسلام که
حرمین شریفین است، علاوه بر تجدید چاپ شکیل
مصحف مدینه (کتابت عثمان طه) که از ۱۴۰۳ با تأسیس
شهرک چاپ قرآن آغاز شده و بیش از ۱۵۰ میلیون نسخه
چاپ شده (در مجمع الملکی... برای اطلاعات بیشتر
راجع به آن و مصاحفی که نام بردیم: دانشنامه قرآن و
قرآن‌پژوهی، به کوشش بهاء‌الدین خرمشاهی، ذیل
همین نام و ذیل مصاحف امام، یکایک مصحفهای مهم از
جمله مصحف حضرت علی(ع) و مصحفهایی که نام
بردیم و حتی ذیل مقاله «مصحفهای دیگر»، و «جمع و
تدوین قرآن»، و «رسم‌الخط» و «اختلاف قرائت»، و
«قراآت سبع»، و «قراآت سبعه» آری در همان مکان
مقدس، قرائت‌های متفاوت از جمله تا آنجا که من می‌دانم
۲ مصحف: ۱) مصحف روایت قالون از نافع (۲) ورش از
نافع و سومی در سوریه (دارالموفه، ۱۴۲۰) که روایت
دوری از ابن عمر و است در تیراژ وسیع چاپ و پخش
می‌شود و هر یک از آنها چند صد کلمه با مصحف
رسمی جهان اسلام یعنی روایت حفص از عاصم فرق
دارد.

آری مسلمانها نیازی به دستکاری دلسوزانه یا
حسابگرانه مستشرقان برای تاریخ کتاب مقدس خود
ندارند، و از جمله در نمازهای خود، بسته به مذهب
فقهی‌شان می‌توانند مالک یوم‌الدین، یا ملک یوم‌الدین
تلفظ کنند. مشکل حل شده است، آنان خبر ندارند.

پانویسها

- ۱- (کستان قرآن، دوره چهارم، شماره ۱۴۴، صفحات ۲۴-۲۵)
- ۲- (المنجد، دراسات، ص ۹۰-۹۵ نیز به منبع فرنگی دیگر اشاره دارد)